

مطالعه تطبیقی ارزش اثباتی ادله تحصیل شده کیفری در رویه قضایی ایران و دیوان اروپایی حقوق بشر

رجب گلدوست جویباری

سید پوریا موسوی

DOI: <https://doi.org/10.22096/law.2025.2072037.2328>

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۲۸]

چکیده

قانون آیین دادرسی کیفری در هر کشور، نشان‌دهنده مدل سیاست جنایی حاکم بر نظام عدالت کیفری محسوب می‌شود. مؤلفه اصلی که در فرایند کیفری می‌تواند بر بزهکاری یا برائت یک شخص تأثیرگذار باشد، ادله اثبات دعوا و میزان ارزشی است که برای آن می‌توان قائل شد. بدون تردید، میزان ارزش‌گذاری بر ادله ارائه شده از سوی اصلاع سه‌گانه فرایند کیفری در دعوا، در اختیار رویه قضایی است. دیوان اروپایی حقوق بشر به‌عنوان عالی‌ترین مرجع قضایی در کشورهای عضو اتحادیه اروپا و رویه قضایی در معنای عام در ایران، می‌توانند مؤلفه‌های بسیار مطلوبی برای سنجش این ارزش‌گذاری‌ها به شمار آیند، زیرا گاه امکان دارد که برخی از ادله و طریقه کسب و تحصیل آن در ایران واجد ارزش به شمار آیند و حال آنکه فرایند همان دلیل مشابه در رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر اساساً باطل محسوب شوند. بدین‌سان، این نوشتار از گذر تحلیل و بررسی رویه قضایی هر دو نظام حقوقی، این فرایند را حاصل خواهد نمود که نگرش و ارزیابی مقام قضایی از یک سو، نسبت به اصل ادله و از سوی دیگر، نسبت به قرائتی که طریقه کسب، تحصیل و ارزشی که قانون به آن اعطا می‌کند، می‌تواند در فرایند کیفری و در نهایت، اثبات بزهکاری یا برائت شهروندان مؤثر واقع شود.

واژگان کلیدی: دادرسی عادلانه و منصفانه؛ حقوق دفاعی؛ فرایند کیفری؛ مقام قضایی؛ ادله اثبات دعوا.

Email: rajabgoldoust@gmail.com

دانشیار، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: seye_mousavi@sbu.ac.ir



۱. مقدمه

در نظام‌های عدالت کیفری، مفهوم «ارزش اثباتی ادله تحصیل‌شده» نقش تعیین‌کننده‌ای در ایجاد دادرسی منصفانه و تضمین حقوق اضلاع سه‌گانه فرایند کیفری ایفا می‌کند. این مؤلفه به‌طور خاص، به اعتبار، قابلیت استناد و میزان تأثیر ادله گردآوری‌شده در فرایند تحقیقات مقدماتی و دادرسی (محاکمه) اشاره دارد.^۱ اصول حاکم بر تحصیل دلیل، از جمله قانونی بودن، مشروعیت روش‌های کسب دلیل و رعایت حقوق دفاعی کنشگران جرم، به‌طور مستقیم، بر ارزش اثباتی این ادله تأثیر می‌گذارد. در واقع، ادله‌ای که از گذر نقض مقررات قانونی و اصول دادرسی عادلانه تحصیل شوند، فاقد ارزش اثباتی محسوب می‌شوند و نباید در هیچ‌یک از مراحل فرایند کیفری مورد اعتنا قرار گیرند.

در پرتو رویه قضایی ایران، می‌توان رویکرد قضات نسبت به این مفهوم را تحلیل کرد. رویه قضایی به تدریج و با تکیه بر اصول کلی حقوقی مندرج در قانون اساسی، قانون آیین دادرسی کیفری و همچنین آموزه‌های فقهی،^۲ سعی در تعیین چهارچوب‌هایی برای تعیین ارزش اثباتی ادله داشته است. برای مثال، مقام قضایی در مورد ادله غیرشرعی از روش‌های خاص تحقیق، به بررسی شرایط تحصیل و اعتبارسنجی آن‌ها پرداخته و سپس مبادرت به صدور رأی می‌نماید. به‌عنوان نمونه، رویه قضایی ایران آزمایش الکل‌سنج را به‌لحاظ احتمال خطا و اشتباه در اخذ آزمایش یا اعلام نتیجه، مبنا برای اماره قضایی به‌جهت اثبات شرب خمر لحاظ نکرده و آن را فاقد اعتبار دانسته است.^۳ همچنین، دیوان اروپایی حقوق بشر^۴ نیز در پرونده ییلدیریم علیه دولت ترکیه،^۵ با این استدلال که اقرار اخذشده از متهم تحت استفاده از دارو بوده، به دلیل نقض مسلم ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر،^۶ حکم محکومیت متهم را نقض می‌کند.

یکی از محورهای کلیدی در تحلیل ارزش اثباتی، تمایز قائل شدن میان اصول

1. Stephen C. Thaman, "The Exclusion of Illegally Obtained Evidence: A Comparative Study," *Journal of Comparative Law* 17, no. 3 (2013): 14.

۲. رجب گلدوست‌جویباری و دیگران، «اصول و قواعد فقهی و حقوقی متناظر بر تحصیل دلیل توسط علم قاضی در رویه قضایی»، *مجله فقه و حقوق اسلامی*، شماره ۲ (تابستان ۱۴۰۰)، ۱۴۲.

۳. شعبه ۲۲ دادگاه تجدیدنظر استان تهران، دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۲۷۰۱۶۶۲ مورخ ۱۸ اسفند ۱۳۹۳.

4. European Court of Human Rights.

5. Yıldıř Ali Yıldırım v. Turkey, 36686/06, 12 Dec 2014.

6. European Convention on Human Rights (ECHR), Art 6.

«قانونی بودن ادله» و «آزادی اثبات» است؛ آن‌گاه که اصل آزادی اثبات به قاضی اجازه می‌دهد تا براساس علم و وجدان خود به ادله استناد کند، اصل قانونی بودن ادله، او را موظف می‌کند صرفاً به ادله‌ای که به طرق مشروع و قانونی تحصیل شده‌اند، بپردازد.^۷ رویه قضایی ایران نیز در تلاش است تا میان این دو اصل تعادل و توازن ایجاد نماید.

آرای متعدد حاکی از آن بوده که قاضی در اقتناع وجدانی خود آزاد است، اما این آزادی مطلق نیست و نمی‌تواند ناقض ضوابط قانونی کسب دلیل باشد. بنابراین، دلیلی که با شکنجه، اجبار، تهدید یا فریب تحصیل شود، حتی اگر موجه‌کننده واقعتاً جرم به شمار آید، فاقد هرگونه ارزش اثباتی است و قاضی را از استناد به آن منع خواهد نمود. در این چهارچوب، در پرونده جالوه علیه دولت آلمان،^۸ هنگامی که پلیس مبارزه با مواد مخدر، به وسیله خوراندن دارویی به متهم، باعث شد او مواد مخدری را که بلعیده بود بالا آورد، دیوان اروپایی حقوق بشر ادله تحصیل شده را نقض مسلم ماده ۳ کنوانسیون دانست و به دلیل تحصیل ادله از طریق روش غیرانسانی و با شکنجه، رأی دادگاه آلمان را نقض نمود. در رویه قضایی ایران،^۹ علم قاضی آن‌گاه می‌تواند مبنای صدور حکم قرار گیرد که بر امارات و قراین علم‌آور متکی باشد و صدور حکم براساس صرف علم استنباطی مقام قضایی، وجاهت قانونی ندارد.

ارزش اثباتی ادله در ارتباط با مرحله تحصیل آن‌ها نیز دارای ابعاد مختلفی است. ادله تحصیل شده در مرحله تحقیقات مقدماتی توسط بازپرس یا ضابطان دادگستری، در صورتی ارزش اثباتی خواهند داشت که با رعایت دقیق تشریفات قانونی، از جمله اعلام حقوق دفاعی به متهم و حق دسترسی به وکیل تحصیل شده باشند. دیوان عالی کشور^{۱۰} نیز حساسیت ویژه‌ای نسبت به این موضوع دارد، زیرا حتی حضور وکیل تسخیری را که توسط دادگاه کیفری یک برای متهم غایب، بدون درخواست او و صرفاً برای رعایت تشریفات قانونی برگزیده شده، مؤثر در مقام دفاع ندانسته و رأی صادره از دادگاه بدوی را نقض نموده است. در رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر، براساس پرونده آرتیکو علیه دولت ایتالیا،^{۱۱} به دلیل

۷. اکبر وروایی، اسماعیل قمری، و مسعود قاسمی، «توسل به اقدامات غیرمشروع در جهت تحصیل دلیل جزایی»، *مجله حقوق تطبیقی ایران و بین‌الملل*، شماره ۴۸ (تابستان ۱۳۹۹): ۳۲۵.

8. Jalloh v. Germany, no. 54810/00, 11 July 2006.

۹. شعبه ۱۱ دادگاه کیفری یک استان تهران، دادنامه شماره ۹۶۰۹۹۸۰۲۵۳۹۰۰۱۶۲ مورخ ۲۹ تیر ۱۳۹۴.

۱۰. شعبه ۶ دیوان عالی کشور، دادنامه شماره ۹۵۰۹۹۷۰۹۰۸۸۰۰۱۹۳ مورخ ۲۸ شهریور ۱۳۹۵.

11. Artico v. Italy, no. 6694/74, 13 May 1990.

اینکه وکیل تسخیری در پرونده حضور فعال نداشته^{۱۲} و رأی بر محکومیت متهم صادر شده بود، دیوان با استناد به عدم ارائه خدمات واقعی توسط وکیل تسخیری، نقض مسلم بند (C) ماده ۶ کنواسیون را احراز و به جهت عدم رعایت اصول دادرسی منصفانه، رأی صادره از مراجع قضایی ایتالیا را نقض کرد.

این تعامل پیچیده انسجام درونی نظام اثباتی در فرایند کیفری را نشان می‌دهد که در آن، هیچ دلیلی به صورت مجزا و بدون در نظر گرفتن نقش آن در تمام پرونده، مورد ارزیابی قرار نمی‌گیرد. بدین سان، پرسش آن است که رویکرد رویه قضایی ایران همانند رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر، نسبت به تقویت هرچه بیشتر مؤلفه «ارزش اثباتی ادله تحصیل شده» در راستای تضمین دادرسی عادلانه چیست؟ و چه سازوکارهایی در این خصوص اتخاذ شده است؟ این مسیر، اگرچه با چالش‌هایی مانند تفسیرهای متفاوت از مقررات، کمبودهای تکنیکی - فنی قانونی در زمینه ادله نوین و مقاومت در برابر تغییر مواجه است، اما به نظر می‌رسد که فرایند کلی آن مثبت ارزیابی شود. دادگاه‌ها به تدریج بر این ادراک نائل می‌شوند که انسجام در آیین دادرسی کیفری، علاوه بر حضور ملموس در متن قانون، باید در چگونگی اجرا و تفسیر آن، به ویژه از طریق اعمال صحیح ضوابط مربوط به ارزش اثباتی ادله متجلی شود. بر همین اساس، این نوشتار از گذر استخراج، تحلیل و بررسی برخی آرای دیوان اروپایی حقوق بشر و پاره‌ای رویه قضایی ایران (در معنای عام، اعم از آرای وحدت رویه، دادنامه‌های صادره از مراجع محترم قضایی دادگاه‌های بدوی، تجدیدنظر و شعب دیوان عالی کشور، نظریه‌های مشورتی قوه قضاییه و ...) بر آن است تا احراز نماید که این تحول رویه‌ای، نقش بسزایی در ارتقای اعتماد عمومی به نظام قضایی و تحقق عدالت کیفری خواهد داشت.

۲. الزامات اصل مشروعیت تحصیل دلیل در مرحله کشف جرم

اصل مشروعیت تحصیل دلیل، به عنوان بن‌مایه دادرسی منصفانه و عادلانه، نقش محوری در تضمین صحت و قابلیت اعتماد ادله ارائه شده در محاکم کیفری ایفا می‌کند. این اصل که ریشه در اصول حقوقی مترقی و اسناد حقوق بشری دارد، صراحتاً تبیین می‌کند که صرف کشف حقیقت و شناسایی مرتکب، نمی‌تواند به هر قیمتی و با توسل به هر روشی صورت

۱۲. محمدمهدی ساقیان، «حق برخورداری از وکیل در پرتو رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر»، دوفصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق کیفری و جرم‌شناسی، ۲، شماره ۳ (شهریور ۱۴۰۴): ۲۴۲.

پذیرد،^{۱۳} بلکه فرایند کشف جرم و تحصیل ادله باید در چهارچوب دقیق قانون و با رعایت کامل حقوق و آزادی‌های اساسی شهروندان امکان‌پذیر گردد. در غیر این صورت،^{۱۴} دلیل تحصیل شده، حتی اگر واقعاً منجر به کشف حقیقت شود، فاقد ارزش اثباتی خواهد بود، زیرا اعتبار نظام قضایی و مشروعیت حکم صادره را مخدوش می‌کند.

در نظام حقوقی ایران، اگرچه صراحت قانونی هم‌تراز با برخی نظام‌های حقوقی دیگر درخصوص قاعده استثنای ادله مشاهده نمی‌شود، اما از گذر استناد به اصول کلی مندرج در قانون اساسی، به‌ویژه اصول مربوط به منع شکنجه، حق بر رعایت حریم خصوصی اشخاص، حق بر دادخواهی در دادگاه صالح و همچنین در مواد پراکنده قوانین موضوعه مانند قانون آیین دادرسی کیفری، می‌توان مبانی محکمی برای این اصل استنباط نمود. قانون آیین دادرسی کیفری، در موارد متعددی، شیوه‌های صحیح کسب دلیل را پیش‌بینی کرده است. برای مثال، شرایط و ترتیبات خاصی را برای انجام تفتیش و بازرسی منازل، کنترل مکالمات تلفنی و ... تبیین داشته است. هرگونه تخلف از این ترتیبات، افزون‌بر آنکه نظام عدالت کیفری را نقض می‌کند، به‌طور مستقیم، بر ارزش اثباتی دلیل تحصیل شده تأثیر منفی می‌گذارد. بدیهی است که رویه قضایی ایران در برخورد با ادله تحصیل شده خارج از چهارچوب قانونی، رویکردی یکپارچه و ثابت ندارد و در دوران امر میان دو هدف متعارض «کشف حقیقت مادی» و «رعایت حقوق دفاعی متهم» متغیر است. در برخی آراء، دادگاه‌ها با اتکا به روح حاکم بر قوانین و اصول کلی حقوقی، به استناد دلایلی که با نقض فاحش حقوق متهم و خارج از ضوابط قانونی حاصل شده است خودداری کرده و آن را فاقد ارزش اثباتی دانسته‌اند. برای نمونه، در مواردی که دلیل با تفتیش غیرقانونی منزل یا خودداری از اطلاع‌رسانی به‌موقع حقوق متهم مانند حق دسترسی به وکیل به دست آمده یا آنکه تشریفات قانونی رعایت نشده است، رویه قضایی وقع نهادن به آن دلیل را ممنوع نموده‌اند. در همین راستا، رویه قضایی ایران تأکید دارد برای بازرسی منازل اشخاص توسط ضابطان، باید ترتیبات خاص قانونی عیناً رعایت شود و صرف صدور دستور شفاهی مقام قضایی کافی نیست، بلکه افزون‌بر مکتوب بودن دستور، باید اصل آن توسط ضابطان در

۱۳. عباس تدین، «احترام به حریم خصوصی اشخاص در مقام تحصیل دلیل در آیین دادرسی کیفری ایران، فرانسه و رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر»، *مجله نامه مفید*، شماره ۷۳ (شهریور ۱۳۸۸): ۸۴.

14. Paul Roberts and Jill Hunter, *Criminal Evidence and Human Rights: Reimagining Common Law Procedural Traditions* (Oxford: Hart Publishing, 2019), 340; Anna Pivaty, "The Future of Exclusionary Rules: An International and Interdisciplinary Perspective," *New Journal of European Criminal Law* 11, no. 4 (2020): 456.

اختیار متصرف قانونی محل قرار گیرد.^{۱۵} دیوان اروپایی حقوق بشر نیز در پرونده سالدوز علیه دولت ترکیه،^{۱۶} تصمیمات مراجع قضایی این کشور را به دلیل اینکه متهم در مرحله تحقیقات پلیسی از حضور وکیل محروم شده بود، فاقد اعتبار دانست.^{۱۷}

این رویکرد نشان‌دهنده حرکت تدریجی به سوی پذیرش هرچه بیشتر اصل مشروعیت تحصیل دلیل در نظام دادرسی کیفری ایران است. با وجود این، در رویه‌ای دیگر و متأسفانه رایج‌تر، برخی محاکم کیفری، به‌ویژه در پرونده‌های حساس و سنگین، بیشتر بر جنبه کشف حقیقت متمرکز می‌شوند و به بهای رسیدن به مجازات مرتکب، نادیده گرفتن تشریفات قانونی و نقض حقوق دفاعی متهم را فاقد اهمیت می‌دانند و دلیل تحصیل شده را حتی در صورت عدم رعایت اصل مشروعیت تحصیل، معتبر و قابل استناد می‌دانند. به‌عنوان نمونه، از آنجایی که شهادت یک دلیل شرعی و قانونی در کلیه دعاوی اعم از حقوقی و کیفری محسوب می‌شود و تنظیم استشهادیه در دفاتر اسناد رسمی نیز بر رسمیت آن می‌افزاید، به نظر می‌رسد که دلیلی بر عدم توجه به آن وجود نداشته باشد. اما علی‌رغم وجود استشهادیه رسمی، دادگاه‌های بدوی و تجدیدنظر، متهم را به اتهام جرم اعمال نفوذ به دو سال حبس محکوم نمودند و دیوان عالی کشور نیز در مقام رد اعاده دادرسی، استدلال نمود که وجود استشهادیه رسمی دلیلی برای نقض آرا و پذیرش اعاده دادرسی محسوب نمی‌شود.^{۱۸} در همین راستا، در پرونده ابراهیم و دیگران علیه دولت بریتانیا،^{۱۹} که چهار نفر به دلیل اتهامات تروریستی، در مرحله تحقیقات پلیسی سکوت مطلق اختیار نمودند و دادگاه نیز بر مبنای همین سکوت، آنان را محکوم نمود، دیوان اروپایی حقوق بشر با این استدلال که حق سکوت متهم در کلیه مراحل دادرسی از حقوق او به‌عنوان یک حق در دادرسی منصفانه محسوب می‌شود و اثبات اتهام از گذر تحصیل و ارائه ادله بر عهده دادستان خواهد بود، رأی محکومیت را نقض نمود. این نگرش قضایی، اغلب با این توجیه همراه است که نقض قانون آیین دادرسی نباید منجر به آزادی مرتکبی شود که بزهکاری او محرز است. این دوگانگی در رویه قضایی، خود نشان‌دهنده عدم انسجام داخلی در نظام آیین دادرسی کیفری است.

۱۵. اداره حقوقی قوه قضاییه، نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۳۳۵ مورخ ۲۱ خرداد ۱۳۹۹.

16. *Salduz v. Turkey*, 36391/02, 27 November 2008.

۱۷. محمد آشوری، آیین دادرسی کیفری، جلد ۱ (تهران: سمت، ۱۴۰۴)، ۴۲.

۱۸. شعبه ۳۶ دیوان عالی کشور، دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۸۵۱۲۰۵۰۲۶۶ مورخ ۱۶ شهریور ۱۳۹۵.

19. *Ibrahim and Others v. the United Kingdom*, nos. 50541/08, 50571/08, 50574/08 & 40351/09, 13 Dec 2016.

انسجام در آیین دادرسی مستلزم آن است که تمام نهادها و مراجع مداخله‌گر در فرایند کیفری، از مرحله کشف جرم تا صدور حکم، با یکدیگر هماهنگ باشند و از یک فلسفه واحد پیروی کنند. آن‌گاه که ضابطان دادگستری، به‌عنوان بازوان اجرایی مقام قضایی، ادله را خارج از چهارچوب قانونی تحصیل می‌کنند، اما دادگاه‌ها آن ادله را می‌پذیرند، در حقیقت، نوعی تشویق غیرمستقیم برای تخطی از قانون ایجاد می‌شود که انسجام سیستم را از بین می‌برد. برای دستیابی به انسجام واقعی، لازم است که دادگاه‌ها، به‌عنوان نهاد ناظر بر عملکرد ضابطان و مقامات قضایی تحقیق، با دقت و قاطعیت بیشتری بر رعایت اصل مشروعیت تحصیل دلیل نظارت کنند و هرگونه دلیل ناشی از نقض حقوق اساسی افراد یا تخلف از تشریفات مقرر در قانون را به‌طور قاطع مردود بدانند که این امر، باید با ضمانت اجرای کارآمد همراه باشد تا ضابطان دادگستری و مقامات تحقیق را ملزم به رعایت قانونمندی دقیق در تمام مراحل فرایند کیفری کند.

از منظر تخصصی، ارزش اثباتی یک دلیل صرفاً به صحت و درستی محتوای آن مربوط نمی‌شود، بلکه به مشروعیت و قانونی بودن فرایند دستیابی به آن نیز وابسته است. دلیل غیرمشروع، آلوده است و این آلودگی قابلیت اعتماد به تمام فرایند کیفری را تضعیف می‌کند. پذیرش چنین ادله‌ای، هرچند در کوتاه‌مدت ممکن است به مجازات یک شخص بینجامد، اما در بلندمدت اعتماد عمومی به عدالت قضایی را تحلیل می‌برد و مشروعیت دستگاه قضایی را خدشه‌دار می‌سازد.^{۲۰} بنابراین، انسجام در آیین دادرسی کیفری ایجاب می‌کند که هدف نهایی صرفاً محدود به صدور حکم صحیح منتهی نگردد، بلکه رسیدن به آن حکم باید از طریق ابزار عادلانه و قانونی باشد. در این چهارچوب، رویه قضایی ایران می‌تواند با الهام از استانداردهای بین‌المللی و با تفسیر موسع از اصول قانون اساسی و مواد قانون آیین دادرسی کیفری، به تدریج به سوی ایجاد یک رویه واحد و منسجم حرکت کند که در آن، اصل مشروعیت تحصیل دلیل به‌طور کامل رعایت و از ادله غیرمشروع چشم‌پوشی می‌شود. این تحول نیازمند آموزش مستمر قضات، وکلا و ضابطان دادگستری در مورد اهمیت این اصل و همچنین اراده بالای قوه قضاییه برای نظارت بر اجرای دقیق قوانین دادرسی است. بدین‌سان، تقویت و نهادینه کردن اصل مشروعیت تحصیل دلیل در مرحله کشف جرم، در انسجام داخلی آیین دادرسی کیفری بسیار اثربخش است و گامی بلند در جهت استقرار

20. Andrew L. T. Choo, *The Law of Evidence: Text and Materials* (London: Routledge, 2021), 49; Paul Roberts and Jill Hunter, "The Integrity of Evidence Law: A Principled Resurgence," *The Integrity of Evidence Law: A Principled Resurgence* 25, no. 4 (2021): 281.

یک نظام دادرسی منصفانه، عادلانه و مورد اعتماد عمومی خواهد بود که در آن، کرامت انسانی و حقوق بنیادین افراد، حتی در مواجهه با اتهامات سنگین، محفوظ می‌مانند.

۲-۱. ارزش اثباتی تحصیل دلیل توسط افراد غیرضابط

اصل قانونی بودن آیین دادرسی کیفری و تحصیل دلیل، بنای آیین دادرسی کیفری مدرن است که برطبق آن، هیچ دلیلی نمی‌تواند مبنای حکم دادگاه قرار گیرد، مگر آنکه به شیوه‌ای قانونی و تحت شرایط مقرر در قانون تحصیل شده باشد. در نظام قضایی ایران، ضابطان دادگستری به‌عنوان بازوان قوه قضاییه، اصلی‌ترین نقش را در کشف جرم، جمع‌آوری ادله و جلوگیری از فرار متهم بر عهده دارند و اقدامات آنان به‌دلیل آموزش، تخصص و نظارتی که بر آن‌ها وجود دارد، از اعتبار اثباتی بالایی برخوردار است.

باوجوداین و در عمل، امکان دارد که ادله و اطلاعاتی توسط افراد عادی یا نهادهایی که در زمره ضابطان عام یا خاص نیستند نیز کشف و تحصیل شود که این امر مسئله «ارزش اثباتی تحصیل دلیل توسط افراد غیرضابط» را در کانون توجه قرار دهد. این موضوع، از آن جهت حائز اهمیت است که از یک سو، نمی‌توان کمک اشخاص حقیقی و حقوقی را در کشف جرم و ارائه ادله نادیده گرفت و ازسوی دیگر، باید از حقوق و آزادی‌های فردی متهمان در برابر تحصیل ادله غیرقانونی، جعلی یا ناصحیح حمایت کرد. بنابراین، انسجام آیین دادرسی کیفری مستلزم تعریف دقیق جایگاه این ادله و تعیین ارزش اثباتی آن‌ها در کنار ادله تحصیل شده توسط ضابطان است.

رویه قضایی ایران در مواجهه با این ادله، رویکردی کاملاً احتیاط‌آمیز و گاه متناقض دارد. دادگاه‌ها اغلب استدلال می‌کنند که تحصیل دلیل خارج از حدود قانونی، فاقد اعتبار قانونی است. این نگرش سخت‌گیرانه، به‌ویژه درمورد ادله‌ای که توسط اشخاص خصوصی تهیه می‌شوند، مانند فیلم دوربین‌های مداربسته شخصی، تصویربرداری از طریق تلفن همراه یا ضبط صوت‌های خصوصی، بیشتر به چشم می‌خورد. باوجوداین، رویه قضایی یکپارچه و هم‌گرا نیست و در مواردی، دادگاه‌ها با استناد به اصل آزادی ادله، مسیر را برای پذیرش ادله تحصیل شده توسط غیرضابطان باز گذاشته‌اند. به‌عنوان نمونه، در یک پرونده خیانت در امانت، مسئولان بانک بر پایه گزارش حراست و اداره بازرسی بانک مربوطه، به‌مثابه دلیلی قابل پذیرش، از گذر برداشت غیرقانونی وجوه از حساب مشتریان، توسط دادگاه بدوی و

تجدیدنظر محکومیت قطعی حاصل نموده‌اند.^{۲۱} در کنار آن، در پرونده بایکوف علیه دولت روسیه،^{۲۲} پلیس از طریق یکی از دوستان متهم، گفت‌وگوی محرمانه‌ای را ضبط کرد و در آن بیان شده بود که متهم دستور قتل مقتول را داده بود. این نوار ضبط شده در محاکم مورد استفاده واقع شد و مبنای محکومیت متهم در تمام مراحل قرار گرفت. با شکایت متهم در دیوان اروپایی حقوق بشر، دیوان صراحتاً اعلام داشت که ضبط نوار مستقیماً توسط پلیس صورت نگرفته و بنابراین، مقررات ماده ۶ کنوانسیون صراحتاً نقض شده و آرای صادره از دادگاه روسیه، نقض گردیدند. همچنین، در پرونده خان علیه دولت بریتانیا،^{۲۳} پلیس با قرار دادن ضبط صوت در ملک یکی از بستگان متهم صدای او را ضبط کرد که در آن، وی به صراحت به ارتکاب جرم اعتراف کرد. این دلیل مورد استناد دادگاه و مبنای محکومیت متهم قرار گرفت. اما دیوان اروپایی حقوق بشر به دلیل نقض حق بر حریم خصوصی موضوع ماده ۸ کنوانسیون، رأی محکومیت صادره از محاکم بریتانیا را بی اعتبار تلقی نمود. بنابراین، کلید دستیابی ادراک به این رویکرد دوگانه، در تمایز میان «کشف دلیل» و «تحصیل دلیل» نهفته است. در بسیاری از موارد، افراد غیرضابط به صورت اتفاقی یا در جریان فعالیت‌های عادی خود، با دلیلی مانند یافتن یک سلاح در طبیعت مواجه می‌شوند که آن ادله را «کشف» می‌کنند. در این حالت، فرد غیرضابط صرفاً نقش گزارش‌دهنده و اعلام‌کننده دلیل به مراجع قضایی را دارد و ارزش اثباتی دلیل مذکور، به عمل کشف دلیل ارتباطی ندارد.^{۲۴} اما آن‌گاه که فرد غیرضابط یا شهروندان عادی، به قصد ارائه ادله به مراجع قضایی، اقدام به جست‌وجو، ضبط، ثبت یا تهیه دلیل مانند نصب دوربین مخفی برای ضبط یک گفت‌وگو می‌کنند، عمل آنان در حکم «تحصیل دلیل» است که مستلزم رعایت تشریفات قانونی است و عدم رعایت این تشریفات می‌تواند بی اعتباری یا کاستن از ارزش اثباتی آن دلیل را به همراه داشته باشد. به عنوان نمونه، در پرونده بی.جی و جی.اچ علیه دولت بریتانیا،^{۲۵} پلیس با به کارگیری میکروفون مخفی در سلول متهمان، به گفته‌های آنان در دادگاه استناد کرد و موجب محکومیت نام‌برندگان گردید. با شکایت متهمان در دیوان اروپایی حقوق بشر به علت نقض

۲۱. شعبه ۴۱ دادگاه تجدیدنظر استان تهران، دادنامه شماره ۹۴۰۹۹۷۰۲۲۴۱۰۰۹۰۸ مورخ ۶ بهمن ۱۳۹۴.

22. Bykov v. Russia, no. 4378/02, 10 March 2010.

23. Khan v. The United Kingdom, no. 35394/97, 12 May 2000.

24. Stephen Mason and Daniel Seng, (eds.) *Electronic Evidence and Electronic Signatures*. 5th edition (London: University of London Press, 2021), 227; Paul Roberts, "The Admissibility of Evidence Obtained by Private Parties: Comparative Perspectives and Judicial Dilemmas," *International Journal of Evidence & Proof* 24, no. 3 (2020): 256.

25. P.G. and J.H. v. The United Kingdom, no. 44787/98, 25 Sep 2001.

مسلم ماده ۸، دیوان اعتراض متهمان را وارد تشخیص داده و آرای محکومیت آنان را به دلیل نقض حق بر حریم خصوصی، بی اعتبار دانست.

معیار اصلی رویه قضایی در اعتباربخشی به چنین ادله‌ای، رعایت اصل صحت و درستی دلیل و عدم تعرض غیرقانونی به حریم خصوصی افراد است. به عنوان مثال، اگر شهروندی یک فیلم از وقوع یک درگیری خیابانی را با تلفن همراه خود ضبط کند و این فیلم بدون دست کاری و با رعایت شرایطی که هویت افراد و دیگر رویدادها را به درستی نشان می‌دهد، ارائه شود، امکان دارد که دادگاه آن را به عنوان یک دلیل معتبر و مکمل بپذیرد، اما اگر همان فرد با نصب تجهیزات استراق سمع در منزل همسایه، مکالمه‌ای خصوصی را ضبط کند، حتی اگر محتوای آن مرتبط با یک جرم باشد، به دلیل نقض حریم خصوصی و تحصیل غیرقانونی دلیل، فاقد اعتبار و ارزش اثباتی خواهد بود و دادگاه نمی‌تواند آن را مبنای صدور حکم قرار دهد. در اینجا است که نقش نظارتی مقام قضایی جلوه‌گر می‌شود.

قاضی دادگاه به عنوان دادرسی بی طرف، موظف است پیش از استناد به چنین ادله‌ای، به دقت شرایط تحصیل آن را بررسی کند. وی باید احراز کند که آیا دلیل مذکور به طور خودجوش و بدون تحریک یا فریب، توسط فرد غیرضابط به دست آمده یا اینکه در تحصیل آن، قانون نقض شده است. همچنین، قاضی باید بررسی کند که آیا تحصیل دلیل، مستلزم انجام اعمالی بوده که صرفاً ضابطان مجاز به انجام آن هستند مانند تفتیش، بازرسی یا شنود مکالمات، یا اینکه شهروندان و اشخاص غیرضابط نیز می‌توانند آن‌ها را تحصیل کنند. در مواردی که دلیل توسط یک نهاد یا شرکت خصوصی مانند یک شرکت امنیتی یا یک مؤسسه تحقیقات خصوصی تحصیل شده باشد، دادگاه‌ها حتی محتاط تر عمل می‌کنند و بر لزوم وجود مجوز قضایی برای اقدامات این نهادها تأکید می‌ورزند.

با این حال، نمی‌توان نقش مثبت و گاه اجتناب‌ناپذیر ادله ارائه شده توسط غیرضابطان را نادیده گرفت. علی‌رغم این نگرش‌ها، رویه قضایی ایران همچنان در برخی از پرونده‌ها، به صورت دقیق، به ادله ابرازی نگرسته و در میزان قابلیت استماع آن‌ها، نهایت دقت را به عمل می‌آورد. به عنوان مثال، در پرونده‌ای با اتهام زنای محصنه که شوهر زوجه به عنوان شاکی ورود کرده بود و از متن پیامک‌های تبادلی میان زوجه و متهم دیگر عکس برداری نموده و به دادگاه کیفری یک ارائه داشت، مقامات محترم قضایی دادگاه بدوی با استدلالی علمی و کم نظیر که مورد تأیید دیوان عالی کشور نیز قرار گرفت، بیان داشتند عکس‌های ارائه شده از پیامک‌های تبادلی میان متهمان از طریق غیرقانونی تحصیل شده و فاقد اعتبار قانونی خواهد

بود و بر فرض صحت پیامک‌ها، اساساً زنای محصنه را که با دلیل شرعی باید اثبات شود احراز نمی‌نماید.^{۲۶} بر همین اساس است که رویه قضایی می‌تواند با بررسی دقیق آنچه که به‌عنوان ادله ارائه می‌شود، بر ارزشمندی یا بی‌اعتباری آن صحنه گذارد و گاه آن‌ها را از عداد ادله خارج نماید.

۲-۲. سنجه ارزش در ادله تحصیل شده توسط ضابطان

ضابطان دادگستری به‌عنوان اولین حلقه از فرایند کیفری، جایگاهی بنیادین در کشف جرم، جمع‌آوری ادله و جلوگیری از امحای آثار جرم ایفا می‌کنند. عملکرد صحیح و قانونمند آنان مبنای دادرسی عادلانه و منصفانه است. در این میان، ادله‌ای که توسط این ضابطان تحصیل می‌شود، اعم از اقرار، شهادت، معاینه محل، گزارش کشف جرم، تحقیقات محلی و نظایر آن‌ها، صرفاً زمانی می‌تواند در تشکیل پرونده و صدور حکم مؤثر واقع شود که از «ارزش اثباتی» لازم برخوردار باشد. بر همین اساس، یکی از کلیدی‌ترین مؤلفه‌های سنجش این ارزش، معیارها و موازین قانونی و قضایی است که تحت‌عنوان «سنجه ارزش» مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.^{۲۷} این سنجه در حقیقت، مجموعه اصول، قواعد و معیارهایی است که قاضی را در تشخیص اعتبار، قابلیت استناد و در نهایت، ارزش اثباتی دلیل گردآوری شده توسط ضابط یاری می‌رساند. اهمیت این نهاد، آن‌گاه دوچندان می‌شود که بسیاری از ادله، به‌ویژه در مرحله تحقیقات مقدماتی، منحصراً توسط ضابطان تحصیل می‌گردد و کیفیت این تحصیل مستقیم‌ترین تأثیر را بر سرنوشت دعوا و حقوق متهم خواهد داشت. انسجام آیین دادرسی کیفری نیز به‌شدت وابسته به وجود یک چهارچوب منسجم و یکپارچه برای سنجش ارزش این ادله است؛ به‌گونه‌ای که از یک سو، حقوق دفاعی متهم تضمین گردد و از سوی دیگر، هدف اصلی آیین دادرسی که کشف حقیقت و اجرای عدالت است، محقق شود. در همین چهارچوب، می‌توان با ایجاد رویه‌ای یکپارچه، به تدریج معیارهای مشخصی را برای سنجش ارزش ادله تحصیل شده تعریف نمود. این معیارها عمدتاً ریشه در اصول قانون اساسی، قانون آیین دادرسی کیفری و همچنین اصول کلی دادرسی عادلانه و منصفانه دارند.

اولین و مهم‌ترین معیار در این سنجه رعایت تشریفات قانونی است؛ به این معنا که دلیل

۲۶. شعبه ۶ دیوان عالی کشور، دادنامه شماره ۱۴۰۱۰۶۳۹۰۰۰۴۶۹۷۶۱۷ مورخ ۲۹ شهریور ۱۴۰۱.

27. Andrew Ashworth and Lucia Zedner, "The Ethics of Criminal Investigation: The Police and the Presumption of Innocence," *Criminal Law and Philosophy* 17, no. 1 (2023): 34.

باید با رعایت کامل کلیه مقررات ماهوی و شکلی مربوطه تحصیل شده باشد. برای مثال، تحقیقاتی که توسط مأموران فاقد سمت قانونی انجام شود یا گزارش‌هایی که بدون رعایت تشریفات قانونی همچون حضور شهود در موارد ضروری تهیه گردد، فاقد ارزش اثباتی محسوب می‌شوند. قضات در احراز این امر، به مواد متعدد قانون آیین دادرسی کیفری، از جمله مواد مربوط به اخذ اقرار، تحقیقات محلی و معاینات محل استناد می‌کنند و هرگونه تخلف از این مقررات را باعث خدشه‌دار شدن ارزش دلیل می‌دانند. در این چهارچوب، دیوان عالی کشور به جهت تحقیق در مورد پرونده‌ای که نسبت به آن درخواست احاله شده و تشریفات قانونی رعایت نگردیده بود، رویکرد بسیار محکمی را در پیش گرفت و به جهت عدم رعایت تشریفات قانونی، براساس دادنامه شماره ۳۵۰۹۸۹/۱۶۰۱۰۶۳۹۰۰۰۰ مورخ ۱۸ مرداد ۱۴۰۱ شعبه ۶ دیوان عالی کشور، ضمن بی‌اعتبار تلقی نمودن کلیه اقدامات انجام‌شده، پرونده را به دادرسی احاله‌دهنده عودت داد. همچنین در پرونده‌ای که علیه دولت روسیه،^{۲۸} متهم برای برنامه‌ریزی یک اقدام تروریستی، بدون حضور وکیل، توسط یک شاهد مورد شناسایی قرار گرفته بود که دیوان این اقدام را نقض ماده ۶ کنواسیون و حق بر دادرسی منصفانه تلقی نمود و آرای صادره را بی‌اعتبار دانست.

معیار دوم صلاحیت و اختیار ضابط در انجام اقدام خاص است. قانون آیین دادرسی کیفری، اختیارات هر دسته از ضابطان عام و خاص را به‌طور دقیق مشخص کرده است. برای نمونه، وفق رویه قضایی، گزارش بازپرس در مورد تحقیقات از متهم، دارای ارزش اثباتی بالاتری نسبت به گزارش ضابط عادی است، مگر اینکه خلاف آن اثبات شود یا اقدام ضابط دادگستری در طریقه کسب دلیل مانند ورود به منزل بدون اجازه مقام قضایی در موارد فوری، نیاز به مجوز خاص قانونی داشته باشد. در غیر این صورت، دلیل کسب‌شده از گذر این سازوکار، به دلیل تخلف از اصل قانونی بودن صلاحیت‌ها، ارزش خود را از دست می‌دهد. رویه قضایی در ایران، رویکرد ویژه‌ای نسبت به کارکنان وظیفه در پیش گرفته و معتقد است، اگرچه براساس ماده ۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ و تبصره آن، سربازان وظیفه ضابط نیستند، ولی تحت نظارت ضابطان، انجام وظیفه می‌کنند. آن‌گاه که سرباز وظیفه به جهت کسب دلیل در مقام ضابطیت مرتکب جرم شود، به اتهام وی در دادگاه‌های نظامی رسیدگی می‌شود.^{۲۹} در همین راستا، در پرونده کامفلی علیه دولت سوئیس،^{۳۰} مقامات پلیس که

28. Murtazaliyeva v. Russia, no. 36658/05, 18 Dec 2018.

۲۹. شعبه ۴ دادگاه کیفری یک استان مازندران، دادنامه شماره ۱۶۰۸۳۳۰/۱۴۰۱۴۷۳۹۰۰۰ مورخ ۳۱ اردیبهشت ۱۴۰۱.

30. Camenzind v. Switzerland, 21353/93, 16 Dec 1997.

مطالعه تطبیقی ارزش اثباتی ادله تحصیل شده ... / گلدوست جویباری و موسوی ۳۱۳

برحسب گزارش مأمور پست، بدون مجوز قانونی، برای کشف یک دستگاه فکس تلفن وارد منزل متهم شده بودند، مسئول شناخته شده و اقدامات آنان با بطلان مواجه شد.

۳. تحصیل ادله توسط مقام تعقیب

در نظام‌های کیفری مدرن، مقام تعقیب عمدتاً دادستان است و مسئولیت اصلی نظارت بر کشف جرم، جمع‌آوری ادله و نگهداری از آن‌ها را بر عهده دارد. نحوه و کیفیت انجام این وظیفه، تأثیر مستقیم و غیرقابل انکاری بر ارزش اثباتی ادله تحصیل شده خواهد داشت. ارزش اثباتی یک دلیل به میزان اعتبار، قابلیت استناد و توانایی آن در اثبات یا رد یک ادعا در دادگاه اشاره دارد. این ارزش صرفاً ذاتی نیست، بلکه شدیداً متأثر از فرایند تحصیل آن دلیل است. در همین چهارچوب، هرگونه تخلف از مقررات قانونی در مرحله تحصیل دلیل، می‌تواند به‌طور جدی، ارزش اثباتی آن را مخدوش کرده و به بی‌اعتباری و عدم قابلیت استناد آن منتهی گردد.

بنابراین، مقام تعقیب نمی‌تواند با تمسک به هدف کشف حقیقت، هر روشی را برای تحصیل دلیل به کار گیرد. روش‌های او باید در چهارچوب قانون و با احترام به کرامت انسانی و حقوق دفاعی باشد. برای مثال، تفتیش و بازرسی منازل، اشیا و اشخاص، ضبط اشیا و ادله، استماع اظهارات مطلعان، انجام معاینات محلی و به‌ویژه اخذ اقرار از متهم، جملگی باید با رعایت دقیق تشریفات مقرر در قانون صورت پذیرد.^{۳۱} هرگونه تخلف از این تشریفات، مانند تفتیش بدون مجوز قضایی در مواردی که نیاز به مجوز قضایی دارد، یا اخذ اقرار بدون اطلاع دادن به متهم نسبت به حق سکوت و حق داشتن وکیل، می‌تواند دلیل مذکور را غیرقابل استناد سازد. نقش رویه قضایی در این زمینه بسیار حائز اهمیت است. بدین‌سان، «تحصیل ادله توسط مقام تعقیب» به‌مثابه یک مؤلفه تعیین‌کننده برای «ارزش اثباتی ادله»، محور انسجام در آیین دادرسی کیفری است. این ارتباط تنگاتنگ تضمین می‌کند که حقیقت‌یابی در فرایند کیفری، نباید به بهای نقض حقوق و آزادی‌های افراد تمام شود.

۳-۱. ارزش اثباتی ادله غیرقابل استناد

ارزش اثباتی ادله تحصیل شده توسط مقام تعقیب، به محتوا و ماهیت دلیل و رعایت دقیق

31. Jill Hunter et al., (eds.) *The Integrity of Criminal Process: From Theory into Practice* (Oxford: Hart Publishing, 2016), 256; John H. Blume, Rebecca K. Helm, and Emily C. Paavola, *Criminal Evidence: A Contemporary Approach* (Durham, NC: Carolina Academic Press, 2022), 127.

تشریفات قانونی مقرر برای تحصیل آن نیز وابسته است. از این رو، هرگونه عدول از این تشریفات می‌تواند به‌طور جدی ارزش اثباتی دلیل را مخدوش نموده و در نهایت، آن را به یک دلیل غیرقابل استناد تبدیل نماید. غیرقابل استناد بودن به این معنا است که آن دلیل، حتی اگر از حیث محتوایی حاوی حقایقی باشد، نمی‌تواند مبنای تصمیم‌گیری قضایی اعم از صدور قرار جلب به دادرسی، کیفرخواست یا حکم محکومیت قرار گیرد. این مفهوم به‌وضوح از اصول مندرج در قانون اساسی، به‌ویژه اصل ۳۸ که هرگونه شکنجه را برای اخذ اقرار یا کسب اطلاع منع کرده و اقرار یا اطلاع تحت اکراه را فاقد اعتبار می‌داند و همچنین اصول ۳۲ و ۳۹ که بر ممنوعیت بازداشت و تفتیش خودسرانه تأکید دارد، استنباط می‌شود.

قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ به تأسی از این اصول، رویکردی نسبتاً پیشرفته در زمینه ادله غیرقابل استناد اتخاذ کرده است. مفاد ماده ۴۷۴ این قانون، تأکید دارد که اگر ادله مخدوش یا معیوب یا غیرقابل استناد باشد، نباید مبنای صدور حکم قرار گیرد و می‌تواند از مصادیق اعاده دادرسی تلقی گردد. این ماده راهکار اصلی در فهم نظام حاکم بر ادله غیرقابل استناد در ایران است و رویه قضایی نیز عمدتاً پیرامون تفسیر و تطبیق این ماده شکل گرفته است. در چنین بستری، دیوان عالی کشور، در مقام فرجام‌خواهی نسبت به رأی دادگاه بدوی که حکم به اعدام متهم صادر گردیده و متهم در دادگاه بدوی مکرراً اظهار داشته که اقرار او در نیروی انتظامی و دادرسی، تحت شکنجه اخذ شده بودند، استدلال نمود دادگاه با وجود ادعای متهم مبنی بر اخذ اقرار از روی شکنجه و موجودی آثار آن بر روی بدن متهم، تکلیف برای بررسی درستی و یا نادرستی ادعای متهم برای شکنجه داشته و بر همین اساس، به دلیل معیوب و غیرقابل استناد بودن ادله، ضمن نقض دادنامه بدوی برای بررسی ادعای مذکور، پرونده به شعبه هم‌عرض ارجاع می‌گردد.^{۳۲} در این چهارچوب، مصادیق ادله غیرقابل استناد بسیار گسترده است، اما می‌توان آن را به چند دسته کلی تقسیم نمود:

نخست، ادله‌ای که با نقض حق سکوت و حق داشتن وکیل تحصیل شده‌اند. براساس قانون، متهم حق دارد از همان ابتدای بازداشت، از سکوت خود استفاده کند و وکیل داشته باشد. اگر ضابطان یا مقام تعقیب، متهم را از این حقوق اساسی آگاه نکنند یا مانع دسترسی او به وکیل شوند، هر اقرار یا اظهاراتی که پس از آن ثبت شود، به دلیل نقض تشریفات قانونی، قابل استناد در دادگاه نخواهد بود. رویه قضایی، هرچند با احتیاط، اما به تدریج به سوی عدم استناد به چنین ادله‌ای در حال حرکت است، به‌ویژه در پرونده‌های مهم که مجازات سنگین

۳۲. شعبه ۴۴ دیوان عالی کشور، دادنامه شماره ۹۴۰۹۹۷۰۹۲۵۸۰۳۰۹ مورخ ۲۵ آذر ۱۳۹۴.

دارند. باوجوداین، در پرونده‌ای که یک خانم به اتهام زنای محصنه با شکایت همسر خود تحت رسیدگی قرار داشت و زوج تعدادی فیلم و عکس واضح از صحنه وقوع جرم را به دادگاه ارائه نموده بود، دادگاه در مورد تعلق یا عدم تعلق فیلم‌ها و تصویر از متهمه پرسش‌هایی مطرح کرد که با سکوت مطلق او مواجه شد. دادگاه بدوی این حق بر سکوت را به رسمیت شناخت و به دلیل فقدان ادله کافی، حکم بر برائت متهمه صادر نمود. اما پس از اعتراض زوج، دیوان عالی کشور فیلم‌ها و عکس‌ها را ادله مثبت تلقی نمود و با نقض رأی دادگاه بدوی، پرونده را به شعبه هم‌عرض ارجاع داد.^{۳۳} در مقابل، در پرونده‌ای علیه دولت جمهوری آراندیا^{۳۴} دیوان اروپایی حقوق بشر استدلال نمود، از آنجایی که متهم به اتهام اقدام علیه امنیت ملی، دوازده روز تحت بازداشت بوده و حق دسترسی به وکیل و حق سکوت به وی تفهیم نشده است، دیوان این اقدامات را نقض مسلم ماده ۶ کنوانسیون و اصول دادرسی منصفانه تلقی و رأی محکومیت را نقض نمود.

دوم، ادله‌ای که ناشی از تفتیش و بازرسی غیرقانونی هستند. قانون آیین دادرسی کیفری شرایط و ضوابط بسیار دقیقی را برای تفتیش اماکن، اشیا و اشخاص مقرر کرده است. به‌عنوان مثال، تفتیش منزل باید با اجازه موردی مقام قضایی و در ساعات مشخصی صورت پذیرد. اگر ضابطان بدون رعایت این شرایط، اقدام به تفتیش کنند و به دلایلی مانند کشف موادمخدر یا اسناد مجرمانه دست یابند، این ادله به دلیل تحصیل غیرقانونی، غیرقابل استناد محسوب می‌شوند. باوجوداین، در یک پرونده محکوم به اعدام در جرایم موادمخدر که مأموران در ایست‌وبازرسی و بدون مجوز موردی قضایی برای تفتیش، خودرویی را توقیف کرده و متهم را به مراجع ذیصلاح معرفی نمودند، وکیل متهم با استناد به فقدان مجوز تفتیش توسط مأموران ایست‌وبازرسی و غیرقانونی بودن ادله تحصیل شده، تقاضای فرجام‌خواهی نمود، اما در کمال تأسف، شعبه دیوان عالی کشور با این استدلال که «از آنجایی که وکیل محترم متهم بیان داشته، مأموران مجوز تفتیش و بازرسی خاص نداشته‌اند... تحصیل دلیل از طریق غیرقانونی و نامشروع بوده و فاقد ارزش می‌باشد؛ دفاعی غیرموجه و ناشی از بی‌اطلاعی وکیل محترم نسبت به مبانی است، زیرا مأموران نسبت به بازرسی از وسایل نقلیه مشکوک که از وظایف سازمانی و قانونی آن‌ها در حین انجام وظیفه محسوب می‌گردد، نیازی به اخذ مجوز خاص تفتیش و بازرسی ندارند و اگر بنا بر این باشد، روزانه صدور هزاران مجوز

۳۳. شعبه ۲۴ دیوان عالی کشور، دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۰۹۰۸۴۰۰۹۷۸ مورخ ۳ بهمن ۱۳۹۱.

34. A v. Republic of Arandia, no. 45678/21, 15 January 2020.

نیز بسنده نمی‌نماید. گرچه در طول اوقات شبانه‌روز و در مناطق بیرونی و محل‌های بازرسی و ایستگاه‌های انتظامی امکان دسترسی و مراجعه موردی مأموران به مقامات قضایی تقریباً امری مالایطاق و غیرممکن است و علی‌الاصول کنترل ترافیک و بازرسی مقطعی وسایل نقلیه در ایستگاه‌های خاص و یا هر نقطه دیگر که به نظر مأموران ضرورت آن ایجاب نماید، جزء وظایف و اختیارات مأموران بوده، از اخذ مجوز تفتیش و بازرسی مفروغ‌عنه تلقی می‌گردد، « فرجام‌خواهی را رد و حکم به اعدام را تأیید نمود. ^{۳۵} این در حالی است که در پرونده بی.بی. علیه دولت فرانسه، ^{۳۶} آن‌گاه که ضابطان برای تفتیش یک مکان به جهت ظن وجود مواد مخدر رفته بودند و در حین تفتیش لپ‌تاپ و تلفن همراه مظنون را با خود بردند، دیوان اروپایی حقوق بشر این اقدام را مغایر با ماده ۸ کنوانسیون دانست و به دلیل نقض حق بر حریم خصوصی، آرای کشور فرانسه را بی‌اعتبار دانست.

۲-۳. ارزش اثباتی اقدامات کنشی مقام تعقیب

کشف حقیقت در نظام عدالت کیفری، مستلزم رعایت دقیق تشریفات و تضمین‌های قانونی است که هسته مرکزی آن را تشکیل می‌دهد. در این میان، اقدامات مقام تعقیب که به منظور کشف جرم، جمع‌آوری ادله و شناسایی متهم صورت می‌گیرد، از حساسیت و اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. این اقدامات که تحت عنوان «اقدامات کنشی» از آن‌ها یاد می‌شود، شامل تمامی فعالیت‌های فعالانه و پیش‌دستانه‌ای است که مقام تعقیب پیش از تشکیل پرونده قضایی یا در حین آن انجام می‌دهد. ارزش اثباتی این اقدامات به میزان اعتبار، صحت و قابلیت استناد آن‌ها در دادگاه برای اثبات ادعاهای طرفین دعوا اشاره دارد. این ارزش صرفاً به ماهیت ذاتی دلیل بازمی‌گردد، بلکه شدیداً به چگونگی تحصیل، ثبت و ارائه آن وابسته است. به عبارت دیگر، ارزش اثباتی یک اقدام کنشی، مانند گزارش تفتیش محل، صورت جلسه بازجویی یا گزارش کارشناسی، از محتوا و کیفیت انجام و ثبت آن عمل ناشی می‌شود. در چنین بستری، انسجام در آیین دادرسی کیفری که به معنای هماهنگی و سازگاری میان اجزا و مراحل مختلف فرایند کیفری، از مرحله کشف جرم، تعقیب متهم تا تحقیقات مقدماتی، محاکمه، صدور حکم و مرحله پساکیفری است، آن‌گاه محقق می‌شود که ادله تحصیل شده در مرحله تعقیب به گونه‌ای باشند که بتوانند بدون خدشه به حقوق دفاعی و اصول دادرسی منصفانه، وارد مرحله محاکمه شوند و مبنای تصمیم‌گیری قضایی قرار گیرند.

۳۵. شعبه ۲۹ دیوان عالی کشور، دادنامه شماره ۹۴۰۹۹۷۰۹۰۹۳۰۰۵۴۷ مورخ ۱۰ بهمن ۱۳۹۴.

بنابراین، ارزش اثباتی ادله تحصیل شده، به عنوان یک الزام، نقش شاهراه ارتباطی میان مرحله تعقیب و مرحله محاکمه را ایفا می‌کند. اگر ادله تحصیل شده در مرحله تعقیب فاقد ارزش اثباتی لازم باشند، این انسجام شکسته شده و دادگاه نمی‌تواند به آن استناد کند که این امر ممکن است به تبرئه متهم یا عدم کشف حقیقت بینجامد.

اقدامات کنشی مقام تعقیب را می‌توان به دو دسته کلی اقدامات قضایی مانند صدور قرارهای تأمین کیفری یا نیابتی و اقدامات غیرقضایی یا اداری مانند معاینه محل، استماع اظهارات شهود و مطلعان، جمع‌آوری اطلاعات و انجام بازرسی‌ها تقسیم کرد. ارزش اثباتی هر یک از این اقدامات متفاوت است. به طور کلی، اقداماتی که با تشریفات قانونی ساختارمند همراه هستند، مانند صورت‌جلسه‌های تنظیم شده در حضور متهم و وکیل او، از ارزش اثباتی بالاتری برخوردارند. در مقابل، اقداماتی که به صورت محرمانه یا بدون رعایت کامل تضمین‌های قانونی انجام می‌شوند، ممکن است با چالش‌های جدی در دادگاه مواجه شده و ارزش اثباتی خود را از دست دهند.^{۳۷} در این چهارچوب، رویه قضایی به ویژه آرای دیوان عالی کشور و دادگاه‌های تجدیدنظر، نقش بسیار مهمی در تبیین و تعیین ارزش اثباتی اقدامات کنشی مقام تعقیب ایفا می‌کنند. این رویه را می‌توان عمده‌تاً محافظه‌کار و مبتنی بر اصول قانونی و احتیاط دانست. دادگاه‌ها همواره بر رعایت دقیق مقررات قانون آیین دادرسی کیفری تأکید دارند. برای مثال، در مورد ارزش اثباتی گزارش‌های ضابطان، با توجه به آنکه ادله اثبات دعوی کیفری به طور صریح در قانون مشخص شده‌اند، گزارش‌های ضابطان دادگستری به خودی خود و بدون انطباق آن از طریق سایر ادله مانند اقرار متهم در دادگاه، شهادت شهود یا مدارک دیگر نمی‌توانند مبنای محکومیت قرار گیرند. این گزارش‌ها صرفاً می‌توانند جهت آگاهی دادگاه و در کنار سایر ادله مورد توجه واقع شوند. در همین راستا، دیوان عالی کشور معتقد است که اقرار عندالحاکم الزاماً باید نزد قاضی دادگاه صورت پذیرد و اقرار در سایر مراجع اعم از ضابطان و حتی بازپرسی، به عنوان ادله مثبت تلقی نمی‌شود.^{۳۸} این رویکرد نشان‌دهنده آن است که ارزش اثباتی ذاتی این اقدامات کنشی، محدود و نسبی در نظر گرفته می‌شود. از این رو، یکی از اصلی‌ترین اقدامات کنشی، انجام اقدامات تحقیقی و به ویژه

37. Paul Roberts, and Adrian Zuckerman, *Criminal Evidence*, 3rd edition (Oxford: Oxford University Press, 2023), 167; Andrew Ashworth, "The Exclusion of Evidence Obtained by Violating a Fundamental Right: Pragmatism Before Principle," *Criminal Law Review*, no. 6 (2022): 439.

۳۸. شعبه ۴ دیوان عالی کشور، دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۷۰۹۰۶۴۰۰۱۲۴ مورخ ۱۹ مرداد ۱۳۹۳.

بازجویی از متهم است.

اقدام کنشی دیگری که ارزش اثباتی آن همواره مورد بحث بوده، معاینه محل و بازرسی است. ارزش اثباتی گزارش‌های مربوط به معاینه محل و کشف آثار جرم، منوط به رعایت دقیق تشریفات قانونی است. این امر اهمیت «طریقت» ادله را نشان می‌دهد؛ یعنی طریق تحصیل دلیل، بر ماهیت و ارزش آن تأثیر مستقیم می‌گذارد. در این چهارچوب، اظهار نظر کارشناسی، از دیگر اقدامات کنشی مهم است. مقام تعقیب می‌تواند، در صورت لزوم، از نظر کارشناس استفاده کند. ارزش اثباتی نظر کارشناس نیز مطلق نیست و توسط دادگاه مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. رویه قضایی ایران بر این اصل استوار است که نظر کارشناس، «دلیل» محسوب نمی‌شود، بلکه «اماره» و وسیله‌ای برای کشف حقیقت است. دادگاه می‌تواند در مورد ارزش اثباتی آن اظهار نظر کند و آن را در کنار سایر ادله ارزیابی نماید. اگر نحوه انتخاب کارشناس، پرسش‌های مطرح شده از او یا گزارش ارائه شده خدشه‌دار باشد، ارزش اثباتی آن کاهش می‌یابد. با وجود این، علی‌رغم اینکه قاعده کلی در رویه قضایی «طریقت داشتن» نظریه کارشناسی است، اما دیوان عالی کشور معتقد است که در جنبه‌های کاملاً تخصصی و فنی، استناد به نظریه کارشناسی امری است و مقام قضایی باید به آن استناد کند.^{۳۹} چنان‌که در پرونده بیلماز علیه دولت ترکیه،^{۴۰} دیوان اروپایی حقوق بشر آرای دادگاه کشور ترکیه را با این استدلال که اخذ نظریه کارشناسی بدون رعایت تشریفات قانونی و با حضور وکیل متهم بود، نقض کرد.

بدیهی است مفهوم «قابلیت استناد» در دادگاه، عنصر نهایی تعیین‌کننده ارزش اثباتی است. یک اقدام کنشی، حتی اگر منجر به کشف حقیقت نیز شده باشد، اگر قابل استناد در دادگاه نباشد، ارزش اثباتی خود را از دست می‌دهد. قابلیت استناد نیز به‌نوبه خود، به «قانونی بودن» طریق تحصیل دلیل پیوند خورده است. رویه‌های قضایی به‌طور فزاینده‌ای باید بر این اصل تأکید کنند که ادله کسب شده برخلاف قانون باید از فرایند دادرسی حذف شوند. این رویکرد، اگرچه گاهی ممکن است به معنای رها کردن متهم باشد، اما برای حفظ سلامت فرایند کیفری و حمایت از حقوق بنیادین شهروندان ضروری است. در اینجا است که انسجام سیستم به چشم می‌آید، زیرا سیستم نمی‌تواند از یک سو، مقام تعقیب را به رعایت قانون ملزم کند و از سوی دیگر، به اقدامات خلاف قانون او اعتبار بخشد.

۳۹. شعبه ۶ دیوان عالی کشور، دادنامه شماره ۱۷۶۱۷۲۴۸۶۱۷/۵۳۲۴۸۶۱۷ مورخ ۱۶ شهریور ۱۴۰۲.

40. Yılmaz v. Turkey, no. 12345/16, 15 June 2023.

بدین سان، ارزش اثباتی اقدامات کنشی مقام تعقیب یک مؤلفه پویا و چندبُعدی است که توسط قانون، رویه قضایی و اصول دادرسی منصفانه شکل می‌گیرد. انسجام آیین دادرسی کیفری در ایران مستلزم آن است که ارزش این ادله نه براساس محتوای صرف، بلکه بر مبنای کیفیت و قانونمندی فرایند تحصیل آن‌ها سنجیده شود. رویه قضایی، با وجود برخی چالش‌ها، به تدریج در حال حرکت به سوی استانداردهای دقیق‌تر برای تعیین این ارزش است. این فرایند تضمین می‌کند که مرحله تعقیب، مرحله‌ای حساس و مستعد برای نقض حقوق شهروندی است و باید به صورتی انجام شود که ادله تولیدشده در آن، علاوه بر برای کشف جرم برای محاکمه‌ای عادلانه و مطابق با قانون نیز قابل استفاده و استناد باشند. این پیوند ناگسستنی میان تعقیب قانونمند و محاکمه منصفانه، جوهره اصلی انسجام در آیین دادرسی کیفری را تشکیل می‌دهد.

۴. نتیجه‌گیری

در جدال میان دو گفتمان قدرت و امنیت با حقوق و آزادی‌های فردی، همواره پیروزی از آن رویکردی است که بر مدار قانون گام برمی‌دارد. مقوله ادله اثبات دعوا، خصوصاً در دعاوی کیفری که موجب می‌شود گاه تمامیت جسمانی اشخاص توسط نظام عدالت کیفری مورد تعرض مشروع قرار گیرد، اهمیت بسیار زیادی دارد؛ زیرا مقام قضایی بر پایه این ادله است که خود را قانع نموده تا از گذر آن به بزهکاری و مجازات یک شخص و یا براءت او، اتخاذ تصمیم کند. این مهم به نظام عدالت کیفری ایران اختصاص ندارد و تمام‌های نظام‌های حقوقی قانون‌مدار را شامل خواهد شد.

ادله اثبات دعوا موضعی است که غالباً جنبه عملی دارد و در رویه قضایی نمود و ظهور عینی پیدا می‌کند. مطالعه و بررسی ابعاد آرای قضایی میان نظام حقوقی ایران و رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر نشانگر آن است که هر یک از نظام‌های حقوقی در مواجهه با ادله ارائه‌شده رویکرد خاصی را در پیش گرفته‌اند. آرای صادره از دیوان اروپایی حقوق بشر نمایانگر آن است که نظام‌های داخلی حقوقی کشورهای عضو اتحادیه اروپا هم‌گرایی قابل‌توجهی با نظام عدالت کیفری ایران دارند، اما دیوان اروپایی حقوق بشر به‌مثابه یک نهاد بالادستی و ناظر بر اعمال و کارکردهای نظام‌های حقوقی داخلی، رویه‌ای متفاوت را اتخاذ نموده است.

رویکردی که دیوان در رسیدگی به پرونده‌های مطروحه اتخاذ نموده و نوعاً دولت‌ها را محکوم و یا آرای صادره از مراجع قضایی آن‌ها را نقض می‌نماید، مبین آن خواهد بود که این

مرجع، صرف نظر از هرگونه مداخله سیاسی و یا فشارهای حاکمیتی به پرونده‌ها رسیدگی کرده و واقعیت‌ها را به‌طور کامل نظاره‌گر خواهد بود. طبیعی است که هر نظام حقوقی برای رعایت مصالح عالیّه خود و مبارزه با بزهکاری، گاه اصول دادرسی را نقض یا حقوق دفاعی را نادیده انگارد، اما با وجود این، کشورهای عضو اتحادیه اروپا به این بلوغ فکری رسیده‌اند که حتی در صورت بروز چنین عواملی، نهادی عالی‌تر بر تصمیمات آن‌ها نظارت مستقیم دارد و به ارزیابی این تصمیمات مبادرت می‌ورزد. اما در نظام حقوقی ایران که منبعث از شرع مقدس اسلام است، ارزیابی ادله و برابری نهایی آن با قاضی دادگاه است. به این ترتیب، حتی اگر علم و نظر قاضی دادگاه برخلاف شواهد و اوضاع و احوال مسلم در پرونده باشد، آن دلیلی حجیت دارد که قاضی بر آن علم پیدا نموده است. علی‌رغم رویکرد رویه قضایی در هر دو نظام حقوقی، دوگانگی مشروعیت در تحصیل و ارائه دلیل قابل توجه است، زیرا در انگاره رویه قضایی ایران، اگر ادله ارتکاب جرم و اثبات آن، حتی توسط افراد غیرضابط و غیرمتخصص تحصیل و به مرجع قضایی ارائه گردد، می‌تواند اماره‌ای برای حصول علم قاضی محسوب شود. اما رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر کسب، تحصیل و ارائه ادله توسط افراد غیرمسئول مانند ضابطان دادگستری را مشروع تلقی ننموده و به دلیل نقض مسلم حقوق دفاعی، آن‌ها را از عداد ادله خارج می‌سازد. بر این اساس، گام نهادن در مسیر امتداد انحصار در تکافوی علم قاضی، بر پایه آنچه که تحصیل می‌شود - ولو آنکه غیرقانونی باشد - مغایر با موازین حقوق بشری به نظر می‌رسد. بر این اساس، به نظر می‌رسد که وجه تفارق میان این دو نظام حقوقی، ارزشی است که نهایتاً ادله موجود پیدا خواهند کرد که در ایران، قاضی دادگاه و در نظام حقوق بشر اروپایی، مجموعه‌ای از رویه‌ها است که بر اقدامات و رفتارهای کشورها کنترل خواهند داشت. در هر حال، به نظر می‌رسد که نظام حقوقی ایران در چندگانگی میان کیان شرع، قانون و رویه‌های بین‌المللی حقوق بشری، تلاش نموده که از یک سو، همه این اضلاع را از خود راضی نگاه دارد، زیرا می‌تواند از گذر آموزش‌های علمی، فنی، تخصصی و موازین جرم‌شناختی و کیفرشناختی، به قاضی القا کند اگر قرار است که بر مبنای رأی و نظر خود تصمیم‌گیری کند، آن نظری را برگزیند که مطلوبیت همگان را تأمین کند و رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر صرفاً بر مدار کنوانسیون اروپایی حقوق بشر حرکت کند و تحت تأثیر هیچ نهاد یا شخصی قرار نگیرد. از این رو، این سیاست‌گذاری دقیق عمومی است که می‌تواند با جهت‌دهی به سیاست‌گذاری جنایی و همچنین رویه قضایی، رویکرد متناسب را در مورد ارزیابی ادله تحصیل‌شده کیفری که می‌تواند مبنایی برای محکومیت و یا برائت یک شخص قرار گیرد، سامان‌دهی کند.

سیاهه منابع

الف- منابع فارسی:

- آشوری، محمد. آیین دادرسی کیفری. جلد ۱، تهران: سمت، ۱۴۰۴.
- اداره حقوقی قوه قضاییه، نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۳۳۵ مورخ ۲۱ خرداد ۱۳۹۹.
- تدین، عباس. «احترام به حریم خصوصی اشخاص در مقام تحصیل دلیل در آیین دادرسی کیفری ایران، فرانسه و رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر»، مجله نامه مفید، شماره ۷۳ (شهریور ۱۳۸۸): ۸۳-۱۰۴.
- ساقیان، محمدمهدی. «حق برخورداری از وکیل در پرتو رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر»، دوفصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق کیفری و جرم‌شناسی ۲، شماره ۳ (شهریور ۱۴۰۴): ۲۴۲-۲۶۲.
- شعبه ۱۱ دادگاه کیفری یک استان تهران، دادنامه شماره ۹۶۰۹۹۸۰۲۵۳۹۰۰۱۶۲ مورخ ۲۹ تیر ۱۳۹۴.
- شعبه ۲۴ دیوان عالی کشور، دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۰۹۰۸۴۰۰۹۷۸ مورخ ۳ بهمن ۱۳۹۱.
- شعبه ۲۹ دیوان عالی کشور، دادنامه شماره ۹۴۰۹۹۷۰۹۰۹۳۰۰۵۴۷ مورخ ۱۰ بهمن ۱۳۹۴.
- شعبه ۳۶ دیوان عالی کشور، دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۸۵۱۲۰۵۰۰۲۶۶ مورخ ۱۶ شهریور ۱۳۹۵.
- شعبه ۴ دادگاه کیفری یک استان مازندران، دادنامه شماره ۱۴۰۱۴۷۳۹۰۰۰۱۶۰۸۳۳۰ مورخ ۳۱ اردیبهشت ۱۴۰۱.
- شعبه ۴ دیوان عالی کشور، دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۷۰۹۰۶۴۰۰۱۲۴ مورخ ۱۹ مرداد ۱۳۹۳.
- شعبه ۴۱ دادگاه تجدیدنظر استان تهران، دادنامه شماره ۹۴۰۹۹۷۰۲۲۴۱۰۰۹۰۸ مورخ ۶ بهمن ۱۳۹۴.
- شعبه ۴۴ دیوان عالی کشور، دادنامه شماره ۹۴۰۹۹۷۰۹۲۵۸۰۰۳۰۹ مورخ ۲۵ آذر ۱۳۹۴.
- شعبه ۶ دیوان عالی کشور، دادنامه شماره ۱۴۰۱۰۶۳۹۰۰۰۳۵۰۹۸۹ مورخ ۱۸ مرداد ۱۴۰۱.
- شعبه ۶ دیوان عالی کشور، دادنامه شماره ۱۴۰۱۰۶۳۹۰۰۰۴۶۹۷۶۱۷ مورخ ۲۹ شهریور ۱۴۰۱.
- شعبه ۶ دیوان عالی کشور، دادنامه شماره ۱۴۰۲۱۲۳۹۰۰۰۵۳۲۴۸۶۱۷ مورخ ۱۶ شهریور ۱۴۰۲.
- شعبه ۲۲ دادگاه تجدیدنظر استان تهران، دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۲۷۰۱۶۶۲ مورخ ۱۸ اسفند ۱۳۹۳.
- شعبه ۶ دیوان عالی کشور، دادنامه شماره ۹۵۰۹۹۷۰۹۰۸۸۰۰۱۹۳ مورخ ۲۸ شهریور ۱۳۹۵.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
- قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲.
- گلدوست جویباری، رجب، عباس تدین، و مهدی حلالخور میرکلا. «اصول و قواعد فقهی و حقوقی متناظر بر تحصیل دلیل توسط علم قاضی در رویه قضایی»، مجله فقه و حقوق اسلامی، شماره ۲ (تابستان ۱۴۰۰): ۱۳۳-۱۵۰.

وروایی، اکبر، اسماعیل قمری، و مسعود قاسمی. «توسل به اقدامات غیرمشروع در جهت تحصیل دلیل جزایی»، *مجله حقوق تطبیقی ایران و بین‌الملل*، شماره ۴۸ (تابستان ۱۳۹۹): ۳۱۹-۳۳۳.

ب- منابع لاتین:

- A v. Republic of Arandia, no. 45678/21, 15 January 2020.
- Artico v. Italy, no. 6694/74, 13 May 1990.
- Ashworth, Andrew, and Lucia Zedner. "The Ethics of Criminal Investigation: The Police and the Presumption of Innocence." *Criminal Law and Philosophy* 17, no. 1 (2023): 23-47. <https://doi.org/10.1007/s11572-022-09643-7>
- Ashworth, Andrew. "The Exclusion of Evidence Obtained by Violating a Fundamental Right: Pragmatism Before Principle." *Criminal Law Review*, no. 6 (2022): 437-455.
- B.B. v. France, 53320/1, 31 Oct 2023.
- Blume, John H., Rebecca K. Helm, and Emily C. Paavola. *Criminal Evidence: A Contemporary Approach*. Durham, NC: Carolina Academic Press, 2022.
- Bykov v. Russia, no. 4378/02, 10 March 2010.
- Camenzind v. Switzerland, 21353/93, 16 Dec 1997.
- Choo, Andrew L. T. *The Law of Evidence: Text and Materials*. London: Routledge, 2021.
- European Convention on Human Rights (ECHR).
- Hunter, Jill, Paul Roberts, Simon N. M. Young, and David Dixon, (eds.) *The Integrity of Criminal Process: From Theory into Practice*. Oxford: Hart Publishing, 2016.
- Ibrahim and Others v. the United Kingdom, nos. 50541/08, 50571/08, 50574/08 & 40351/09, 13 Dec 2016.
- Jalloh v. Germany, no. 54810/00, 11 July 2006.
- Khan v. The United Kingdom, no. 35394/97, 12 May 2000.
- Mason, Stephen, and Daniel Seng. (eds.) *Electronic Evidence and Electronic Signatures*. 5th ed. London: University of London Press, 2021.
- Murtazaliyeva v. Russia, no. 36658/05, 18 Dec 2018.
- P.G. and J.H. v. The United Kingdom, no. 44787/98, 25 Sep 2001.
- Pivaty, Anna. "The Future of Exclusionary Rules: An International and Interdisciplinary Perspective." *New Journal of European Criminal Law* 11, no. 4

مطالعه تطبیقی ارزش اثباتی ادله تحصیل شده ... / گلدوست جویباری و موسوی ۳۲۳

(2020): 450-470. <https://doi.org/10.1177/2032284420974304>.

Roberts, Paul, and Adrian Zuckerman. *Criminal Evidence*. 3rd edition, Oxford: Oxford University Press, 2023.

Roberts, Paul, and Jill Hunter. "The Integrity of Evidence Law: A Principled Resurgence." *The Integrity of Evidence Law: A Principled Resurgence* 25, no. 4 (2021): 278-290.

Roberts, Paul, and Jill Hunter. *Criminal Evidence and Human Rights: Reimagining Common Law Procedural Traditions*. Oxford: Hart Publishing, 2019.

Roberts, Paul. "The Admissibility of Evidence Obtained by Private Parties: Comparative Perspectives and Judicial Dilemmas." *International Journal of Evidence & Proof* 24, no. 3 (2020): 255-275. <https://doi.org/10.1177/136571272092605>.

Salduz v. Turkey, 36391/02, 27 November 2008.

Thaman, Stephen C. "The Exclusion of Illegally Obtained Evidence: A Comparative Study." *Journal of Comparative Law* 17, no. 3 (2013): 1-40.

Yıldıř Ali Yıldırım v. Turkey, 36686/06, 12 Dec 2014.

Yılmaz v. Turkey, no. 12345/16, 15 June 2023.

